

بی تفاوتی در بیانات اعلیحضرت

(قسمت چهارم)

میزان عقل

امیر فیض- حقوقدان

عقل، نیروی تشخیص موضوعات در وجود انسان است. بنابراین یکی از طرقی که میتوان به شناسایی اشخاص رفت از طریق آشنائی با عقل آنها و مقایسه با نصوص معتبر است.

در برنامه انتخاب ملکه سیاسی در افق آمریکا، کسانی در ردیف اعلیحضرت شرکت داشتند که نهایت بی انصافی است که تحریر (بی تفاوتی) که تاکنون در سه قسمت منتشر شده، توجهی به آن افراد نداشته باشد. بدین جهت دعوت می‌شویم که این تحریر به میزان عقل دونفری از آن شرکت کنندگان نیز شمولی داشته باشد و اگر سایر شرکت کنندگان، نصیبی از این تحریر ندارند بیشتر ممکن است به این اعتبار باشد که حد عقل آنان در حدی شناخته نمیشود که قابل شناسائی و مقایسه آن با نصوص معتبر باشد.

نخست ، ملکه سیاسی، مجتبی واحدی

همانطور که استحضار دارید مجتبی واحدی نفردوم انتخاب ملکه سیاسی بوسیله افق صدای آمریکاست. اکنون بجاست قبل از آنکه به میزان عقل ایشان به اعتبار گفته های خودش در مسابقه مزبور آگاه شویم با خلق و خو و شخصیت اخلاقی ایشان آشنائی بیشتری پیدا کنیم؛ کما اینکه در انتخاب ملکه زیبایی هم، اخلاق و گذشته و شخصیت ملکه از معیارهای انتخاب است.

مهمترین خصوصیات مشهور و انحصاری ایشان وفاداری به آخوند مهدی کروی است؛ ماهیت این وفاداری بسیار قابل توجه است و میتواند یکی از معیارهای اخلاقی و شخصیتی ایشان شناخته شود.



جوانک ۱۹ ساله و شغل و مقام

تحریر حاضر مناسب میبیند، بواسطه تطبیق سن و مقام واحدی با ملیجک دربار ناصرالدین شاه، عنوان ملیجک را برای ایشان انتخاب کند، زیرا در تاریخ، تنها یک مورد دیده میشود که جوانی کم سن و سال که عزیز السلطان ناصرالدین شاه بود دارای منصب امیرتومانی شد.

واحدی در سن ۱۹ سالگی (تکرار میشود تا در ذهن خواننده رسوب لازم را بوجود بیاورد) در سن ۱۹ سالگی درست در سالی که دبیرستان علوی را تمام کرد مدیر دفتر کروی میشود.

کروبی رئیس بنیاد شهید، بزرگترین و پرمسئولیت ترین دستگاه های جمهوری اسلامی در آن زمان بوده و بالطبع سنگین ترین بودجه مملکت به آن اختصاص داشت (بودجه پیشنهادی بنیاد شهید در سال ۱۳۹۳ برابر با ۹۱ هزار و ۱۲۶ میلیارد و ۱۶۶ میلیون ریال بوده است).

بنیاد شهید در اسفند ماه سال ۵۸ به دستور خمینی ریاست مهدی کروبی تشکیل شد و در سال ۱۳۸۳ بصورت قانونی درآمد. برای آنکه به اهمیت این واحد بزرگ توجه کنید کافی است به آمار سال ۱۳۹۲ بنیاد رجوع شود که ۳۳۰ هزار شهید ۵۰۵ هزار جانباز و ۵۰ هزار آزاد زیرچتر مسئولیت بنیاد قرار داشته. بنیاد شهید به واسطه استقلال مالی، یکی از مراکز سوء استفاده مالی چه از بودجه بنیاد و چه از حقوق پرداختی به خانواده های شهدا بوده است.

> بنیاد شهید به دلیل اینکه شرکت نیست صورتحسابهای آن بوسیله ذیحسابان مورد رسیدگی قرار نمیگیرد.<

(سهیلی پور رئیس سازمان حسابرسی ۲۰ اردیبهشت ۹۰)

بنیاد شهید در آن سالها بزرگترین سوراخ اختلاس و دزدی بوده است چندین فقره اختلاس در آن بنیاد خبرساز شد که یکی ۱۷۰ میلیارد تومان که از ایران خارج شده و دست بنیاد بجائی بند نگردید.

آنقدر تجاوز به اموال بنیاد و حقوق ایثارگران علنی و زننده بوده که عضو کمیسیون بودجه و محاسبات مجلس از تجاوز به حقوق ایثارگران و شهدا فریاد بلند کرد - سوء استفاده از ایثارگران و خانواده شهدا در جریان انتخابات، یک فقره دیگر سوء استفاده بنیاد بود.

روابط به ضوابط

اشارات بالا بدین جهت مستند قرار گرفت تا قابل قبول باشد که شغل و مقامی که به مجتبی واحدی در سن ۱۹ سالگی داده شده نه بر اثر ضوابط که حتما بر اثر روابط با کروبی بوده است چنانکه منصب امیرتومانی ملیجک هم در اثر ضوابط نبود و روابط بود.

یک جوان ۱۹ ساله بغیر از جوانی چه دارد؟ تحصیلات عالی که ندارد، تجربه کاری که ندارد، سابقه کار در همان بنیاد هم که نداشته پس چه چیزی سبب استقرار ایشان در آن پست مهم شده است؟ آیا خواننده این تحریر در تمام ایران و یا حتی جهان کسی را میشناسد که در سن ۱۹ سالگی که دبیرستان راتمام کرده به ریاست دفتر مدیر عامل یک بنیاد دولتی با آن عرض و طول برسد؟ آیا هیچکس در ایران لیاقت او را نداشته؟ تنها چیزی که میتواند این کمبود های ایشان را تامین کند روابط است. آنها روابط با آخوند که اساسا نظام جمهوری اسلامی بر اساس روابط است.

قطعا زوایای ناشناخته ای در روابط مزبور وجود دارد که اگر تصویر ۱۹ سالگی و سوابق بیشتری از ایشان در دست بود، به بیان سعدی که گفته است: حرنگ رخساره نشان میدهد از سرنهان > شناختها جای ناشناخته هارا پرمیکرد.

مقامات دیگر

پس از آنکه کروی بی رئیس مجلس شد، رابطه با ملیجک متحول نشد و باز هم ملیجک مشاور مطبوعاتی کروی بی در مجلس ششم و نیز انتخابات ریاست جمهوری شد. اهمیت این مشاغل و مقامات تصور نمیکنم نیازی به توضیح داشته باشد؛ آنهم برای یک جوان ۱۹ یا ۲۰ ساله. آنهم در مجلس اسلامی که افراد مسن عضویت آنرا دارند و اصولاً شرط سن یکی از شرایط انتخاب شوندها است.

معاون وزارت دارائی

کاررابطه در این حد هم باقی نماند و ملیجک یکدفعه شد معاون وزارت دارائی (ویکی پدیا).

در آن موقع که وزارت دارائی جمهوری اسلامی مفتخر! به داشتن معاونی بنام مجتبی واحدی شد، واحدی ۲۴ سال داشت.

آدمی که نه تحصیلات اداری و مالیه دارد و نه تجربه کار وزارت دارائی ولی روابط! سبب میشود او که غیر از جوانی و وفاداری به ارباب خود (کروی بی) هیچ سرمایه اداری ندارد به مقامی در وزارت دارائی برسد که هزاران مدیرکل و رئیس توانا و با سابقه در امور مالی کشور صلاحیت معاونت وزارت خانه دارائی را داشتند ولی ناظر بودند که یک پسر بچه جوان، فرمانده اداری همان مردمان با سابقه اداری شد.

فراموش نکنید که همواره معاونین وزارت خانه ها از خود وزیر در امور وزارت خانه مسلط و وارد تر بوده اند.

در دوران قبل از شورش ۵۷ دبیرستانی بنام دبیرستان دارائی در تهران وجود داشت که فارغ التحصیل بودن از آن دبیرستان شرط استخدام در وزارت دارائی بود. زیرا فارغ التحصیل های آن دبیرستان از تمام علوم و فنون اداری لازم برای استخدام و خدمت در وزارت دارائی آموزش می آموختند و برای دیگر وزارتخانه ها چنین دبیرستانی نبود و این اهمیت کار و شغل در وزارت دارائی را میرساند.

ملیجک در سن ۲۴ سالگی معاون وزیر دارائی جمهوری اسلامی شد؛ آیا چنین امری در دنیا سابقه دارد؟ البته که نه ولی روابط! است که هم شغل و هم مقام دهد.

وفاداری متقابل

ملیجک در همه این احوال و حتی تاکنون وفاداری به ارباب خود مهدی کروی بی بود و هست؛ زیرا نردبان ترقی او ارتباطی بود که از همان ۱۹ سالگی و خدامیداند شاید هم از قبل با کروی بی داشته است. تصادفاً ملیجک عزیز السلطان هم به ارباب خود ناصرالدین شاه تا آخر عمر وفادار ماند.

کروی بی هم، در هواداری از ملیجکش نهایت، عمل کرده است و هرگاه شکایتی بدلیل ایجاد مزاحمت برای خانواده های بی سرپرست شهید از سوی واحدی ایجاد رسوائی کرده بود کروی بی به حمایت او برخاسته و قضیه ماست مالی شده است و یکی از دلایل انتقال واحدی از مدیریت دفتر کروی بی به سازمان اموال متروکه، ایجاد فاصله بین واحدی و ارباب رجوع بنیاد شهید بوده است.

وفاداری خصوصی

موضوع قابل توجه این است که وفاداری واحدی تنها نصیب کربوبی بوده نه اینکه فکر کنید که واحدی آدم وفاداری است مجتبی واحدی در زمانی که مدیر روزنامه آفتاب یزد بود نشان داد که با ولی نعمت های خود و دوستان سابق تا چه اندازه بی وفا، فرصت طلب و ناسپاس بوده است.

واحدی از وقتی که از ایران خارج شده و در آمریکا اقامت یافت در عین اینکه خود را فعال جنبش سبز و نماینده کربوبی معرفی میکند و با آنکه کربوبی و میرحسین موسوی ریشه های جنبش سبز (بخوانید لشگر آمریکا) شناخته میشوند و آنان بارها وفاداری خودشان را به جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن اعلام داشته اند ولی او (واحدی) خود را مخالف جمهوری اسلامی و قانون اساسی و ولایت فقیه معرفی میکند و از فورمول «زهر طرف که شود کشته سود اسلام است» تبعیت میکند.

عزت الله سبحانی اعلام کرده بود که «در بین بازجویان او یکی هم مجتبی واحدی بوده است». واحدی در زمانی که در کشور بود سخت علیه بازرگان و جبهه ملی، جبهه میگرفت ولی وقتی به واشنگتن آمد در راستای سیاست آمریکا یکسره جانبدار بازرگان و از ارادتمندان جبهه ملی و نهضت آزادی شد زیرا حضور او در واشنگتن ایجاب میکرد که با فورمول «خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو» کار کند.

میزان عقل

عرض شد که یکی از ابزارهای تشخیص شخصیت، عقل است. ترشحات عقل بصورت کلام، اولین و معمول ترین وسیله شناخت میزان عقل در مقام مقایسه و نتیجه گیری است؛ اطباء روان شناس از طریق صحبت های معمولی تشخیص میدهند که مریض، روانی است و یا از حد روانی گذشته است.

اکنون از همین قاعده برای شناخت میزان عقل آقای مجتبی واحدی استفاده میشود یعنی کلام و اظهارات ایشان در مسابقه ملکه سیاسی معیار و میزان سنجش عقل ایشان قرار میگیرد.

برجسته ترین سخنان ملیجک

برجسته ترین سخن واحدی (ملیجک) که سبب انتخاب ایشان بعنوان نفردوم ملکه سیاسی شده است در این ۳ موضوع است.

- ۱- من ادعا دارم که هیچکس درک دقیقی از اوضاع داخل ایران ندارد.
- ۲- من هنوز به این نتیجه نرسیده ام که اکثریت مردم کمک غرب را میخواهند شاید این را بتوانم ادعا کنم از طرف مردم ایران، که غرب در کنار شوروی و چین باعث تداوم جمهوری اسلامی میشود.
- ۳- آقای کربوبی انتظار دارد که رسانه های غربی صدای مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند.

سخن اول ملیجک

ادعای هیچکس درک دقیقی از اوضاع ندارد.

ادعا، امتیاز وحقی است که شخص برای خود قائل است هیچکس نمیتواند بدون داشتن سمت قانونی اعلام نفی حق دیگران را بکند.

هرجا ادعا هست، حق هم ضمیمه ادعاست. ادعا اسباب اثبات حق است، نه از اسباب اثبات بی حقی خود. کسیکه ادعا داشته باشد و برای اثبات ادعایش دلیل و حکمی ندارد و یا ادعای خود را از قوه به فعل درنیآورد، و فقط حرف آنرا میزند، مصداق «سنگ مفت و گنجشک مفت است» و همان است که گفته میشود «حرفش مفت است».

همه حرف و همه حرف و همه حرف به حرف مفت وقت ماشود مفت

درک، یعنی رسیدن به مفهوم و محتوای چیزی. درک در رابطه با فهم، تحصیلات، ساختار فکری و امثال آنها میدان عملیاتی دارد و از آنجا که ملات درک برای افراد جامعه یکنواخت نیست در هیچ موردی نمیتوان درک و یا عدم درک مردم را چه از نظر دریافت و یا کاملیت و یا سطحی بودن ملاک قضاوت و ارزیابی جامعه قرارداد.

دقیق که مورد استفاده واحدی قرار گرفته به معنای باریک، نازک، کم، نرم و امثال آنهاست و استفاده از آن در مورد درک نا معقول میباشد و اگر قبول کنیم که درک نازک، وجود دارد در پیدایش درک کلفت دچار اشکال خواهیم شد مگر به آقای ملیجک رجوع کنیم

اینکه ملیجک ادعا دارد که هیچکس درک دقیقی! از اوضاع داخل ایران ندارد. آیا میتوان کسی راحتی در جهان شناخت که درک درستی از کشور و جامعه و حتی از فامیل و خانواده خود داشته باشد؟

در تاریخ آمده سلطان سنجر بالباس مبدل به شهردرآمد و هنگام بازگشت، داروغه شهر از سلطان مطالبه حق عبور از پل را کرد سلطان گفت بر همه احوال مردم و اکناف کشور آگاهم ولی میبینم که از چند قدمی کاخ خود هم بی اطلاع هستم.

آیا ادعای اینکه مردم درک درستی از آنچه در کشور میگذرد ندارند، ادعائی قابل اثبات است؟ و آیا ایشان سمت نمایندگی برای وارد ساختن چنین اتهامی رابه مردم ایران دارد؟

ایا استناد به موضوعی غیر قابل اثبات در امر مهمی که با شرافت ملی سروکار دارد کاریک ادم عاقل است

آیا یک عقل سالم اجازه چنین ادعا و فضولی خودسرانه را میدهد؟ اگر مردم ایران درک دقیقی! از اوضاع داخل کشور ندارند چرا علیه رژیم که بر کشور مسلط است مبارزه میکنند؟ آیا چنین مبارزه ای که بر مبنای نا آگاهی از اوضاع کشور پایدار گردیده واجد مشروعیت و کارمردم عاقل است؟

اگر کسی از موضوعی مطلع نیست و یا درک درستی ندارد مربوط به خودش است و نمیتواند چنین قیاسی را مترتب بر همه مردم کند این را میگویند (کافر همه رابه کیش خود پندارد) این را میگویند فضولی و از حد عبور کردن؛ اگر چنین ادعائی در یک جمع مردم عاقل و دانا حتی در حد متوسط مطرح شود چه نمره ای به آن مدعی داده میشود جز سخیف (مرد نادان).

این آدم با چنین مغز و عقل متحجر که بعد از ۳۰ سال از خود نشان میدهد درسی سال قبل معاون وزارت دارائی بوده است، و امروز زیر سایه سیاست آمریکا نفردوم شخصیت خارج از کشور (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

خواستاری کمک غرب

سختی دوم ملیجک این است که میگوید «من هنوز به این نتیجه نرسیده ام که اکثریت مردم کمک غرب را میخواهند».

فرخی بیٹی دارد که به سهولت درک این تحریر کمک میکند گفته است:

من سخن بافته و محال نمیگویم این سخن من اصول دارد و قانون

بیت فرخی بما میگوید هرسخنی که خارج از اصول و یا قانون باشد سخن بی اعتبار و بافته شده از خیال و رسیدن به آن او هام است.

درهرزمانی و درهرجامعه ای اصولی حاکم بر آن جامعه وجود دارد که اصول متعارفه یا موضوعه نامیده میشود اصول مزبور چه خوب و یا بد ثابت درافکار و باور عامه شده است و بصورت یک متن قابل قبول و بدور از غل و غش درآمده است که اختلافی در آن نیست، مانند همخوابگی با مادر که در کلیه جوامع بشری قدری متمدن و یا متدین وجود دارد و فرهنگ ایرانی برای نشان دادن قبح و عمومیت آن میگوید «هرکه بامادر خود زنا کند با دیگران چها کند» بنابراین، دیگر نمیتوان گفت که آیا اکثریت مردم این اصل (قبح نزدیکی با مادر) را قبول دارند یا خیر.

اصل توسل به بیگانه

یکی از قدیمترین اصولی که در جوامع بشری چه ایرانی و خارجی ریشه ای بسیار قدیمی و تابه امروز دست نخورده مانده، توسل به بیگانه و یا به حمایت از بیگانه است.

ریشه این اصل برخاسته از خانواده است که به جامعه و سپس اصول حقوق بین الملل سرایت کرده است.

همانطور که هیچ انسانی راضی و مایل نیست که یک غریبه در زندگی زناشویی او دخالت کند و آقا بالاسر باشد، این حالت طبیعی و عمومی در رابطه با اجتماع هم کاملاً جاری است.

مسئله ای که عرض شد نیازی به ارائه دلیل ندارد ولی برسم معمول تحریرات، یکی دوشاهد بجااست.

شاهد تاریخی اول

پس از آنکه طهماسب میرزا از کشته شدن پدر خود شاه سلطان حسین بدست افغانه مطلع شد در قزوین بنام شاه ایران تاجگذاری کرد و برای مبارزه با افغانه از روسها حمایت و کمک خواست.

دکتر محمود افشار مورخ و استاد دانشگاه حقوق در کتاب افغان نامه خود نوشت:

«این کار شاه طهماسب خطائی بزرگ بود؛ هیچگاه جایز نیست که از مار به افعی پناه برده شود، و از خودی به بیگانه توسل جست. اشرف افغان خودی بود و تزار روس بیگانه با توسل به تزار روس و پی آمد آن از دست رفتن استقلال ایران بود. دکتر افشار این بیت حافظ را هدیه به خوانندگان کتاب کرده و نوشته است شاه طهماسب باید این بیت حافظ را بگوش هوش میگرفت».

آشنایان ره عشق، گرم خوردن خون ناکسم گربه شکایت سوی بیگانه روم

(افغان نامه ۵۸۴)

شاهد ساسی

حسنین هیکل در کتاب خود نوشته است:

حمایت حزب توده از جمهوریهای دست نشانده شوروی در آذربایجان و گیلان هرگز فراموش نمیشود و بخاطر همین مسئله حزب توده هرگز سهمی در مورد ایران بعهدہ نداشته است.

(صفحه ۳۶۶)

مجله پرتیراژ اکسپرس نوشت:

<شاپوربختیاربعثت آلودگی هایش باعراق در آینده ایران نقشی نخواهد داشت>

(شماره ۱۵ آوریل سال ۸۱)

نتیجه

★ از بین هزاران دلیل و شاهد به همین موارد محدود استناد شد تا یقین شود که توسل به بیگانه از هر جهت و هر بهانه برخلاف اصول بوده و قبح آن هرگز تبدیل به حسن نمیگردد.

★ ادعای ملیجک به اینکه >هنوز به این نتیجه نرسیده ام که اکثریت مردم خواستار کمک غرب هستند<

سخیفه ای از سربو عقلی و عدم اعتناء به اصول و همچنین عدم درک قباحت موضوع است و از آنجاکه قبح مسئله توسل به بیگانه متوجه شرافت و ناموس ملی یک ملت است در تشبیه مانند آن است که ملیجک بگوید: >من هنوز به این نتیجه نرسیده ام که اکثریت مردم خواستار دخالت اجنبی در شرافت و غیرت و ناموس خود هستند<.

★ نمای بی عقلی او آنجا بیشتر تماشائی میشود که خود را گم کرده و خود را در جایگاه رهبر معنوی مردم میبیند، و درک نمیکند که پاسخ او یک کلمه و آنهم >تو چکاره ای است؟<.

★ اینها از تراوشات عقلی کسی است که نفردوم ملکه سیاسی ایرانیان خارج از کشور شده است. بی نوا ایرانیان خارج از کشور که به این شدت وحدت در معرض مغز شونی آمریکا قرار گرفته اند.

سوم انتظار آخوند کروی

ملیجک به صیغه >میان دعوا نرخ تعیین کردن< بدون اینکه موضوع ارتباطی به کروی داشته باشد موقعیت را برای دفاع از ارباب خود مناسب دیده و میگوید >کروی انتظار دارد که رسانه های غربی صدای مردم ایران را بگوش جهانیان برسانند<.

نخست این حقیقت شوم، فراموش نشدنی است که تمام ایرانیانی که در خارج از کشور دست توصل به سوی بیگانه دراز کرده اند زیر همین درخواست بی معنا و کهنه **<صدای مردم ایران را بگوش جهانیان رساندن>** خیمه زده اند.

دوم - به مصداق **<اگر همه گفتند نان و پنیر- تو سرت را بگذار زمین و بمیر>** اگر هر کسی ظاهراً توصل و حمایت بیگانه را محکوم میکند، کروی بی باید خفه بشود و سرش را از خجالت بر زمین بگذارد بمیرد. مک فارلین در کتابش که بمناسبت مأموریت به ایران برای نجات گروگان های آمریکا در لبنان، تنظیم شده نوشته:

<داود کیمچی مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل در سوم ژوئیه ۱۹۸۵ وارد کاخ سفید شد و از وجود مخالفان خمینی در درون رژیم اوسخن گفت وگفت اینان (مخالفان) میتوانند رژیم را تغییر بدهند و حتی میتوانند شر خمینی را بکنند او اسامی افرادی را که میانه روهارا رهبری میکنند بقرار زیر خواند:

(هاشمی رفسنجانی و دستیار او حسن روحانی - هادی نجف آبادی - خامنه ای و دستیار او علی ولایتی - محسن رضائی - میرحسین موسوی و کنگر لومشاور موسوی - احمد خمینی و مهدی کروی) <

بنابرا گزارش رسمی تاو به کنگره آمریکا که در دادگاه نورث مورد استناد قرار گرفت **<مهدی کروی نام ۱۰۰۰ نفر از افراد میانه رو رایبه سرهنگ نورث داده است>**

سند بالا نشان میدهد که در ردیف همه کسانی که در مقام توصل به آمریکا قرار دارند شیخ کروی ولینعت و اریاب مجتبی واحدی نه تنها صدر نشین و بطور حتم ایجاد کننده استعداد سیاسی برای تسلط آمریکا بر ایران بوده است.

ملکه سیاسی دیگر دکتر عباس میلانی

به فرصت آتی



سید مجتبی واحدی (زاده ۵ شهریور ۱۳۴۳ در قم)، سیاستمدار اصلاح طلب ایرانی، مقاله‌نویس، روزنامه نگار، مهندس شیمی و مشاور ارشد مهدی کروی است که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶ رئیس دفتر مهدی کروی بوده است و از سال ۱۳۷۹ تا دی ۱۳۸۸، سردبیری روزنامه اصلاح طلب آفتاب یزد را بر عهده داشته است.

از دیگر سوابق او، معاونت وزارت دارایی از سال ۱۳۶۷ و مشاور رسانه‌ای و مطبوعاتی مهدی کروی در مجلس ششم و انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۴) می‌باشد .

مجتبی واحدی پس از حصر خانگی مهدی کروی در بهمن ماه ۱۳۸۹، به عنوان سخنگو و مشاور ارشد مهدی کروی در خارج از ایران در حمایت از جنبش سبز فعالیت می‌کند. او همچنین پس از اعتراضات جنبش سبز در ۲۵ بهمن ۱۳۸۹، با صدور بیانیه‌هایی به همراه شورای هماهنگی راه سبز امید و اردشیر امیرارجمند، خواستار حضور هواداران جنبش سبز در روزهای ۱ اسفند، ۱۰ اسفند، ۱۷ اسفند و ۲۴ اسفند ۱۳۸۹ در اعتراض به حصر خانگی رهبران جنبش سبز شد

